

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

گامی درست در مبارزه یی دشوار و سرنوشت ساز

پیش به سوی اتحاد عمل همه نیروهای ضد استبداد برای سازمان دهی جنبش

عمومی خلق!

فرمایشی، از نوع انتخابات مجلس هفتم، با مبارزه هوشیارانه نیروهای اجتماعی و طیف وسیع نیروهای سیاسی درهم شکسته شد و افق تازه یی برای گسترش مبارزه در راه طرد استبداد و نماد آن یعنی رژیم ولایت فقیه در میهن ما گشوده شد. عکس العمل اعتراضی توده ها، که دور از تصور مرتجعان حاکم بود، و خطر گسترش سریع آن سران رژیم را آنچنان

ادامه در صفحه ۲

هم میهنان گرامی تحولات پر شتاب روزهای اخیر وظایف مهم و دشواری را در مقابل همه نیروهای آزادی خواه میهن ما قرار داده است که باید با تأمل و دقت و همچنین با در نظر گرفتن منافع کوتاه و دراز مدت جنبش مردمی، برای تحقق اصلاحات بنیادین، پایدار و دموکراتیک، به آن پاسخ شایسته یی داد. توطئه شورای نگهبان، ولی فقیه و مرتجعان حاکم بر میهن ما برای تحمیل یک انتخابات



شماره ۷۱۴، دوره هشتم
سال بیستم، ۱۷ خرداد ماه ۱۳۸۴

ایران و سازمان تجارت جهانی
در صفحه ۴ و ۵

جبهه واحد دموکراسی و حقوق بشر، انتخابات و ضرورت تشدید مبارزه بر ضد برنامه های ارتجاع

اقدام های مزدوران حکومتی علیه سندیکاهای کارگری را محکوم می کنیم

عده ای از مزدوران تحت فرمان ارگان هایی نظیر خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار برای بار دوم به محل تشکیل مجمع عمومی سندیکای کارگران شرکت واحد یورش برده و آن را تخریب کردند. بنا به گزارش های منتشر شده، ساعت یک بامداد روز پنجشنبه دوازدهم خرداد ماه سال جاری عده ای افراد به اصطلاح ناشناس با کتک مولوتف به سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه واقع در محل سندیکای کارگران خباز حمله کرده و با پرتاب بمب آتش زاء، از درون خیابان مقابل، به روی بالکن ساختمان بخشی از آن را به آتش کشیدند. این حمله وحشیانه درست یک روز

ادامه در صفحه ۳

رویدادهای هفته های اخیر، صحنه سیاسی کشور را دچار تغییر و تحول جدی کرده است. این رویدادها از چنان اهمیتی برخوردار است که می توان با قطعیت اعلام داشت سرنوشت و آینده میهن ما در گرو سمت و سوی این روندها و تحولات است.

سیر پُر شتاب رخ دادهای اخیر که همگی به سان حلقه های یک زنجیر به هم پیوسته اند، آرایش سیاسی نیروها را در میهن ما دستخوش تغییر محسوس و امیدوار کننده یی کرده است. اکنون بر این پایه شاهد شکل گیری صف بندی های نوین حول اساسی ترین خواست همگانی و در چارچوب یک جبهه گسترده و فراگیر ملی و مردمی و ضد استبدادی هستیم.

آنچه بیش از همه عوامل داخلی و خارجی در تغییر اوضاع نقش ایفا کرده، مقاومت آگاهانه جنبش مردمی بود. به عبارت دقیق تر توده های وسیع مردم به ویژه کارگران و زحمتکشانشان و قشرهای میانه حال در مخالفت با تدارکات ارتجاع برای تثبیت موضع خود با برگزاری یک انتخابات فرمایشی و پس از آن تلاش برای زد و بند با قدرت های خارجی واکنش نشان دادند و در مجموع شرایطی را پدید آورد که واپس گرایان را وادار به عقب نشینی مشخص و حساب

شده ای کرد. این اقدام با توجه به وضعیت حاکم بر کشور سبب تحریک در درون طیف گسترده جنبش گردید. درس گیری از شکست سیاست های گذشته، که از نمونه های آن قبول «خط قرمزهای» ارتجاع و تمکین به خواست های مرتجعان حاکم در زمینه سرکوب حقوق دگراندیشان، است روش جدیدی را در برخورد اصلاح طلبان حکومتی، با مسایل سیاسی کشور و خصوصاً برخورد با نیروهای «غیر خودی»، در آستانه انتخابات ریاست جمهوری نهم، نشان می دهد که قابل تأمل است.

همان طور که اعلامیه کمیته مرکزی حزب ما در زمینه انتخابات اشاره کرده است برگزاری کنگره هواداران معین، در پی عقب نشینی ولی فقیه رژیم و اقدام در جهت دعوت از دگراندیشان برای تشکیل یک جبهه وسیع برای دموکراسی و حقوق بشر گام مهم و مثبتی است. حزب ما نیز مانند همه نیروهای مترقی ضمن استقبال از این اقدام که می تواند در راستای تامین حقوق تاریخی مردم ایران باشد، معتقد است که این جبهه باید پوشش دهنده همه

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی...

هراسناک کرد که ولی فقیه ناچار شد با صدور بیانه‌ی بی از مواضع اتخاذ شده عقب نشیند. برنامه تبلیغاتی وسیع شورای نگهبان و دیگر مرتجعان حاکم برای استتار عقب نشینی مفتضحانه خامنه‌ای و «حکم حکومتی» خواندن این حرکت بخشی از توطئه دیگری برای ایجاد انشقاق و چند دستگی در صفوف نیروهای اصلاح طلب و مدافعان آن و همچنین دشوار کردن کار دکنر معین برای ورود به صحنه انتخاباتی انجام می‌گرفت. حساب ارتجاع این بود که با جا انداختن این نظر که این بیانه «حکم حکومتی» است در صورت ورود معین به صحنه، و بدون مرز بندی او با چنین سیاست‌هایی، پذیرش «قوانین بازی» تعیین شده از سوی ارتجاع و قبول همان مرز بندی‌های «خودی و غیر خودی» و خط‌های قرمزی است که خاتمی رعایت می‌کرد و بدین ترتیب ارتجاع خواهد توانست سوار بر موج بدبینی و تبلیغ تسلیم شدن معین به «حکم حکومتی» دشواری پیش آمده را از سر راه برداشته و برنامه خود را برای برگزاری یک انتخابات فرمایشی و روی کار آوردن «سردار ارتجاع» یعنی هاشمی رفسنجانی و با «نامزد اصلاح» دیگری به پیش ببرد.

حزب ما در سال‌های اخیر و خصوصاً چند ماه گذشته در اظهار نظرهای گوناگونی همواره بر این امر تأکید کرده و می‌کند که راه کار شکستن بن بست کنونی اتکاء به نیروهای اجتماعی و حرکت در راه بنا کردن جنبشی سازمان یافته، متکی بر توده‌های مردم و حول شعارهای مشخص و متناسب با اوضاع حاد جامعه ماست. حزب ما بر بنیادهای نظری خود، یعنی اولویت دادن به منافع توده‌های زحمتکش و حرکت به سمت رها کردن میهن از بختک رژیم ولایت فقیه، در مقاطع مختلف پیگیرانه از اصل اتحاد عمل همه نیروهای مترقی، آزادی خواه و اصلاح طلب کشور حمایت کرده و همچنان معتقد است که باید تمام تلاش‌ها را متوجه تحقق این امر خطیر کرد. ما در هشت سال گذشته همواره با درک ضعف‌های جدی جنبش اصلاح طلبی که خود را در حصارهای ارتجاع ساخته «خودی و غیر خودی» محصور کرده بود معتقد بودیم که می‌توان با اتکاء به نیروهای اجتماعی، به کارگران و زحمتکشان، به دانشجویان مبارز و جوانان و به زنان دلیر میهن ما و هماهنگی با نیروهای دگراندیش و خارج از حاکمیت آنچنان نیرویی را در جامعه پدید آورد که ارتجاع با وجود همه امکانات نظامی و سرکوبگرانه اش نتواند با آن به مقابله برخیزد و به عقب نشینی وادار گردد.

هم میهنان هوشیار و آزاده!

حوادث این روزهای کشور مصادف است با هشتمین سالگرد دوم خرداد ۱۳۷۶. دوم خرداد ۱۳۷۶ نقطه عطفی در مبارزات مردم ما بر ضد رژیم ولایت فقیه بود. حزب توده ایران با وجود حمایت از خواست‌های جنبش مردمی برای تحقق اصلاحات در جهت استقرار دموکراسی و حکومتی متکی بر آرمان‌ها و خواست مردم، از همان ابتدا به روشنی اعلام کرد که بر خلاف قول‌های داده شده از سوی خاتمی و همفکران او، اعتقاد ندارد که می‌توان با حفظ چارچوب ساختارهای استبدادی، یعنی حاکمیت مطلق ولی فقیه بر امور، امر تحقق خواست‌های مردمی را به پیش برد. کمیته مرکزی حزب توده ایران، در پنجم خرداد ۱۳۷۶، با استقبال از رأی تاریخی مردم در نفی نامزد رسمی ولی فقیه اعلام کرد: «آنچه از هم اکنون روشن است، این حقیقت است که رهبری رژیم ولایت فقیه بررغم خواست توده‌ها برای انجام تغییرات دموکراتیک مصمم است به سیاست‌های خود ادامه دهد و سد راه هرگونه تغییرات اساسی در سمت و سوی حرکت جامعه ما باشد... امروز در مقابل امیدها و آرزوهای توده‌های میلیونی مردم همان افراد و نهادهایی ایستاده‌اند که در ۱۸ سال گذشته با خیانت آشکار به آرمان‌های انقلاب بهمین - آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی - جامعه ما را به لبه پرتگاه کنونی سوق داده‌اند و چنین شرایط دهشتناکی را به مردم ما تحمیل کرده‌اند...»

ما همان طور که در اسناد پنجمین کنگره حزبمان نیز اشاره شده است

با ارزیابی مبارزه طبقاتی در درون جامعه و با ارزیابی ترکیب ناهمگون نیروهای سیاسی بی که به عنوان اصلاح طلبان حکومتی بر گرد خاتمی جمع شده بودند، همواره وظیفه خود می‌دانستیم که ضمن هشدار دادن نسبت به اتکاء غیر واقع بینانه به مذاکرات و بده بستان‌ها در بالا، توجه نیروهای سیاسی و اجتماعی کشور را به مسأله مهم سازمان دهی مبارزه توده‌ها جلب کنیم. حزب ما با پرهیز از انحراف به راست، یعنی غلتیدن به این نظر که با خاتمی و سیاست‌های اصلاح طلبان حکومتی می‌توان تغییرات اساسی مورد نظر مردم را تحقق بخشید و همچنین انحراف به چپ، یعنی انکار هرگونه سودمندی حوادث دوم خرداد و روندی که در جامعه ما آغاز شده بود، سیاست آگاهی دادن به جنبش و تلاش در راه بسیج نیروهای مترقی و آزادی خواه در درون کشور به پیش برد.

ما حوادث روزهای اخیر کشور را نیز بر چنین پایه‌ی ارزیابی می‌کنیم. در مقابل توطئه ارتجاع برای تحمیل قوانین بازی و قبول حکم خامنه‌ای، جنبش اصلاح طلبی به درستی برای نظر خواهی و رسیدن به یک موضع مشترک گام‌هایی را برداشت که باید آنها را مثبت ارزیابی کرد. برگزاری کنگره هواداران معین با شرکت شمار زیادی از دگراندیشان و نمایندگان نیروهای مختلف و همچنین مشورت وسیع با نیروهای سیاسی و اجتماعی کشور برای اتخاذ موضعی قاطع گام درستی در راه پایه ریزی یک اتحاد مردمی نه بر چارچوب‌های ارتجاعی «نیروهای خود و غیر خودی» بلکه بر پایه جدا سازی صف خلق از صف غیر خلق است. ما ضمن استقبال از این حرکت درست آن را تنها گام نخست در مبارزه دشواری که پیش روی همه ماست می‌دانیم. ارتجاع زخم خورده از تحولات اخیر بی شک به نظاره نخواهد نشست و همه نیروها و امکانات وسیع خود را برای درهم شکستن این حرکت به کار خواهد گرفت. تنها بسیج و به میدان آوردن سازمان یافته نیروهای اجتماعی است که می‌تواند پیش برد امر اصلاحات را در مقابل تهاجمات ارتجاع بیمه کند و راه را برای اتخاذ سیاست‌های بعدی بگشاید. آنچه روشن است این است که باید نیروهای دلسرد شده از روند اصلاحات را با توضیح این مسأله که تلاش در راه ساختن کیفیتی نوین آغاز شده است دوباره به صحنه آورد و با شعارهای مشخص و رادیکال، جنبش مردمی برای تحقق آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایت فقیه را سازمان دهی کرد. طرح شعار آزادی فوری و بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی ایران، ایجاد یک دولت ائتلاف ملی و سلب قدرت از نهادهای ارتجاعی همچون شورای نگهبان بی شک خواست‌هایی است که بخش‌های وسیعی از مردم میهن ما و همچنین نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور با آن هم صدا هستند. ما همچنان معتقدیم که برگزاری انتخابات در چارچوب رژیم ولایت فقیه بی تردید نمی‌تواند یک انتخابات آزاد و دموکراتیک آن طور که شایسته مردم و تاریخ پر افتخار مبارزات معاصر میهن ماست، باشد ولی مسأله شرکت در انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری، و شکست برنامه ارتجاع برای یکدست کردن حاکمیت، در شرایط حساس کنونی باید به عنوان تاکتیکی حساب شده به کار گرفته شود.

حزب توده ایران ضمن استقبال از بیانه صادر شده از سوی دکتر مصطفی معین در نفی قبول قیومیت شورای نگهبان ارتجاع و ولی فقیه آن و همچنین تأکید بر خواست‌های مردمی آزادی فوری همه زندانیان سیاسی و همچنین حرکت در سمت ایجاد یک حکومت ائتلاف ملی بر پایه یک جبهه وسیع، معتقد است که باید با اتکاء به نیروی لایزال توده‌ها و با پافشاری بر تحقق حقوق پامال شده میلیون‌ها ایرانی که سال‌هاست در چنگال رژیم ولایت فقیه اسیرند راه را به سمت ارتقای جنبش تحول طلبی و آزادی خواهی کشور.

نیروهای دموکراتیک و آزادی خواه کشور بیاید دست در دست هم جبهه وسیع نیروهای ضد دیکتاتوری و مدافع دموکراسی را پایه ریزی کنیم و حول محور مشترک خواست‌های مردم در زمینه تحقق آزادی و عدالت اجتماعی و با اتکاء به سازمان دهی نیروهای اجتماعی: جوانان و دانشجویان، کارگران و زحمتکشان و زنان دلیر میهن ما راه را به سمت رهایی کشور از بند‌های استبداد رژیم ولایت فقیه بگشاییم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۸ خرداد ماه ۱۳۸۴

ادامه حمله مزدوران ...

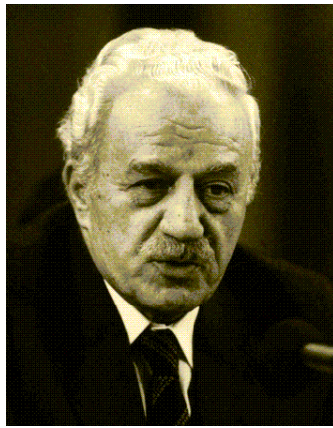
قبل از تشکیل مجمع عمومی سندیکای کارگران شرکت واحد انجام پذیرفته و یکی از اهداف آن جلوگیری از برگزاری این نشست بوده است.

یکی از اعضای هیات موسس سندیکاهای کارگری در این باره خاطرنشان ساخت: «این حمله و آتش سوزی در پی حمله روز نوزدهم اردیبهشت ماه، بیانگر آن است که گروهی از مخالفان تشکل های مستقل و سندیکاهای مستقل کارگری حاضرند بیشترین هزینه ها را بدهند و بدترین اشتباهات را بکنند تا جلوی تشکیل مجمع عمومی سندیکای کارگران شرکت واحد را بگیرند، اما کارگران در جلسات پیاپی سوگند یاد کرده اند تا پای جان برای تشکیل سندیکای مستقل خویش ایستادگی نموده و سیاست النصر بالرعب متجاوزان را در هر جایی که باشند نقش بر آب کنند، آخرین جمع بندی جلسه سندیکالیست ها این دست آورد داشته است یا مرگ یا سندیکا».

قبل از این یورش مزدوران، روزنامه ها گزارش داده بودند هیات موسس احیای سندیکای کارگری شرکت واحد در اطلاعیه ای از تمام کارگران عضو این هیات و داوطلبان عضویت در سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه خواسته است تا در مراسم رای گیری برای تصویب اساسنامه، انتخاب هیات مدیره و بازرسان سندیکای کارگران حضور یابند. پیش از این اعضای هیات موسس که برخی با اخراج از محل کار مواجه شده اند با ارسال نامه ای به رفسنجانی خواستار اعلام نظر وی در باره سندیکا شده بودند که رفسنجانی پاسخی به آنها نداد.

برخی از فعالان کارگری حمایت رفسنجانی از مزدوران حمله کننده را دور از انتظار نمی دانند.

حزب ما بنا به مواضع اصولی خود، ضمن دفاع قاطع از اقدامات مثبت در راستای احیای حقوق سندیکای زحمتکشان حمله مزدوران رژیم به محل سندیکای خباز و مجمع عمومی سندیکای کارگران شرکت واحد را محکوم و با تمام توان از حقوق آنها پشتیبانی می کند.



عمده ای را ایفا کرد. هاریلاوس فلوراکیس یک روز پس از تأسیس جبهه ی آزادیبخش ملی به آن پیوست و در میان صفوف ارتش ملی آزادیبخش خلق با نام فرمانده یوتیس و سپس در رتبه سرگردی با نیروهای اشغالگر جنگید. او در نبرد دسامبر سال ۱۹۴۴ بر ضد امپریالیسم و الیگارشی محلی مبارزه کرد و سپس با رسیدن به رتبه سرهنگی، در صفوف ارتش دموکراتیک، بر ضد امپریالیست ها مبارزه کرد. فلوراکیس در سال ۱۹۴۹ به عضویت کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان انتخاب شد. در آکادمی نظامی فرونز در مسکو به تحصیل پرداخت و با درجه ی ممتاز تحصیلات خود را به پایان رساند. او به مدت ۱۸ سال مورد اذیت و آزار قرار گرفت که ۱۲ سال آن را در زندان و ۶ سال را در تبعید گذراند. بارها محاکمه، به زندان و حبس ابد محکوم گردید که مشهورترین آن «محاکمه کبیر» ماه مه سال ۱۹۶۰ در دادگاه نظامی آتن بود. در دسامبر سال ۱۹۷۲ در هفدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب به دبیر اولی حزب انتخاب شد که تا سال ۱۹۸۹ در این سمت باقی ماند. او مفتخر به گرفتن نشان ELAS و نشان شایستگی نظامی از ارتش دموکراتیک یونان گردید. همچنین از سوی رییس شورای عالی اتحاد

ادامه در صفحه ۵

بدرود رفیق فلوراکیس

کلامی آخر با رفقا!

رفیق فلوراکیس نامه ای در سال ۱۹۹۴ نگاشت و آن را به آلکا پاریگا، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان سپرد.

فلوراکیس در این نامه که پس از درگذشتش خوانده شد می نویسد: «من این نوشتار را وصیت نامه خود نمی دانم زیرا چیزی برای به ارث گذاشتن ندارم. آن چیزهایی را که داشتم همه را به حزب کمونیست یونان، حزبی که بینش مارکسیست لنینیستی، مرام و برنامه اش نمادهای شناخته شده آن هستند تقدیم کرده ام. از نظر سیاسی هم اگر توانایی هایی داشتم همه را بنابر نیازهای مشخص حزب انجام داده ام. به ارث گذاشتن رهنمودهای سیاسی را سزاوار خود نمی دانم. مایلم که جسد من در منطقه ای که متولد شده ام به خاک سپرده شود. بر پشته های کوهستانی محلی بنام پالیوزو گلوپی. مزارم باید ساده باشد تنها حصار دور آن باشد که حیوانات نتوانند لاشه ام را از خاک بیرون کشند. از مراسم مرثیه خوانی و نثار حلقه گل خودداری کنید. بهتر است این مراسم در اشکالی که به حزب یاری رسانند تبیین یابند.

بدرود

هاریلاوس فلوراکیس، سپتامبر ۱۹۹۴

رفیق فلوراکیس، یار وفادار زحمتکشان یونان در گذشت

هاریلاوس فلوراکیس در روز ۲۰ جولای سال ۱۹۱۴ در دهکده راهولا، از توابع ایتموس در منطقه آگرافا در استان تسالی متولد شد. در سن پانزده سالگی، هاریلاوس فلوراکیس، با خواندن الفبای کمونیسم به جنبش کمونیستی پیوست. در سال ۱۹۲۹، زمانی که دولت ونیزلوس با استفاده از قانون شرایط اضطراری، به سرکوب کمونیست ها می پرداخت به گروه های پیشگام دانش آموزان OKNE (فدراسیون جوانان کمونیست یونان) پیوست. در میان صفوف قدرتمندمبارزه سندیکای کارگری پست و تلفن و تلگراف (PTT)، در فعالیت های اعتراضی بر ضد دیکتاتوری «چهارم آگوست» و جنگ ایتالیا -- یونان، در سال ۱۹۴۰، شرکت کرد.

هاریلاوس فلوراکیس به عنوان یکی از کارگران PTT، بطور خستگی ناپذیر در مبارزات سندیکایی فعالیت کرد و در مقام دبیر کل کمیته اجرایی شعبه های این سندیکا خدمت کرد. در سال ۱۹۴۱ به عضویت حزب درآمد و در بازسازی آن شرکت کرد. در حین مبارزه مخفی دو بار بازداشت شد. در سازماندهی و هدایت اعتصاب سندیکای PTT در سال ۱۹۴۲ که بزرگترین اعتصاب و یکی از نخستین آنها در دوران اشغال بود نقش

آزادی برای همه زندانیان سیاسی

ایران و سازمان تجارت جهانی

در میان رشته حوادث پُرشتاب و بسیار با اهمیت روزها و هفته های اخیر، خبر کوتاه اما فوق العاده مهم پذیرش تقاضای جمهوری اسلامی ایران در سازمان تجارت جهانی (دبلیو.تی.او) برای عضویت دایم به نحوی چشم گیر خودنمایی می کند. سرانجام ایالات متحده آمریکا همچنان که قبلاً تأکید کرده بود، از مخالفت خود با پذیرش ایران به این سازمان جهانی دست برداشت، تا رژیم ولایت فقیه در مذاکرات مربوط به مسایل هسته ای با سه کشور اروپایی در جهت توقف کامل غنی سازی اورانیوم گام بردارد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه در اوایل خرداد ماه امسال، نماینده ایران در سازمان تجارت جهانی اعلام داشت که، این سازمان به آغاز گفتگو برای عضویت ایران رای داده است. همین خبرگزاری در ادامه گزارش خود نوشت: «این اقدام درست یک روز پس از مذاکرات ایران با انگلستان، فرانسه و آلمان در ژنو صورت گرفت. مذاکرات ژنو به توافقی دیپلماتیک برای ادامه گفتگوها درباره برنامه هسته ای ایران منتهی شد، کشورهای اروپایی پیشنهاد کرده بودند که در ازای همکاری تهران در زمینه برنامه هسته ای اش، به طرح ایران برای عضویت در سازمان تجارت جهانی کمک کنند.»

این حادثه، با استقبال گسترده جناح بندی های مختلف حکومت همراه بود. محمد شریعتمداری، وزیر بازرگانی دولت خاتمی، در مصاحبه با ایسنا به تاریخ ششم خرداد ماه در این خصوص گفت: «با این مصوبه (پذیرش تقاضا) ایران به جمع اعضای ناظر (دبلیو.تی.او) اضافه شد و به زودی با تشکیل گروه کاری مذاکراتش را آغاز خواهد کرد. . در طول ۹ سال گذشته . . . درخواست ایران در حاله ای از ابهام بود، ما تحقیقات بسیاری در خصوص آثار الحاق به (دبلیو.تی.او) در بخش های خدمات (بانک، بیمه و اقتصاد کلان) صنعت و معدن، کشاورزی، فعالیت های تولیدی (پولاد، خودرو و . . .) انجام داده ایم. . . رفع موانع غیر تعرفه ای موجود بر سر راه توسعه تجارت ایران با تجربه و تمیم نظام تعرفه های موثر جایگزین شد. . . برخی قوانین . . . در طی این دوره اصلاح و بازنگری شد. . . بطور کلی رژیم تجاری ایران در طی ۱۰ سال گذشته به روز شده و آخرین تغییرات و اصلاحات نیز در آن انجام شده است.»

از دیگر سو سعید شیرکوند، معاون اقتصادی وزیر اقتصادی و دارایی نیز در گفتگویی با خبرگزاری کار ایران ضمن استقبال از این پذیرش خاطر نشان ساخت: «الحاق به (دبلیو.تی.او) یک اجبار برای اقتصاد همه کشورهاست . . . پیوستن به سازمان تجارت جهانی به این معنا است که دیگر هیچ کس نمی تواند تمام حوزه های اقتصادی منابع خود را پخش کند، باید در بخش هایی که مزیت نسبی دارد، متمرکز شود.»

اما در این میان مهم ترین و دقیق ترین موضع گیری را مسعود نیلی بعنوان یکی از مقامات بلند پایه اقتصادی کشور اتخاذ کرد. وی در سر مقاله روزنامه شرق به تاریخ ۷ خرداد ماه، با مطلبی تحت عنوان طلیعه شکوفایی چنین نوشت: «خبر هر چند کوتاه است، اما برای همه آنانی که سال هاست دغدغه جدایی جمهوری اسلامی ایران از جامعه جهانی را دارند بسیار مهم تلقی می شود. . . تلاش بیست و سوم به بار نشست و کشور توانست با توقف استمرار مخالفت آمریکا با درخواست عضویتش، در فضای بسیار متلاطم پیرامونی، امتیازی مهم بگیرد.»

وی که از طراحان و در عین حال مبتکران اصلی برنامه های اصلاح ساختار اقتصادی و برنامه توسعه جمهوری اسلامی است در ادامه توضیح می دهد: «مهم آن است که عضویت در سازمان (تجارت

جهانی) ما را ملزم به رعایت انضباطی فراملی می کند و لذا نخواهیم توانست سخاوتمندانه زمان را به نفع حمایت های بی قید و شرط از دست بدهیم. حضور ما در سازمان تجارت جهانی نقطه آغازی خواهد بود بر پذیرش مسئولیت در جامعه جهانی.»

وی در ادامه می افزاید: «خوشبختانه با ابلاغ سیاست های جدید مربوط به اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی مقام رهبری همزمانی خوبی با پذیرش عضویت ایران پیدا شده است. . . عضویت در سازمان تجارت جهانی انضباطی (بخوان فرامین تحمیلی و دیکته شده) را به ما تحمیل خواهد کرد که اگر مدیریتی صحیح و سیاستگذاری درست و هم راستای افزایش رقابت پذیری در کشور به عمل نیاید، ما را با دشواری های بسیاری مواجه خواهد ساخت.» به بیان روشن، مسعود نیلی بعنوان یکی از اصلی ترین طراحان برنامه های اقتصادی رژیم، تأکید می کند، عضویت در سازمان تجارت جهانی رهنمای سیاسی متناسب با خود را طلب می کند!

و این نکته ای است فوق العاده پُر اهمیت بویژه در چنین روزهایی حساس و سرنوشت سازی که کشور در آستانه انتخابات ریاست جمهوری قرار دارد. به عبارت دیگر، پذیرش تقاضای عضویت ایران در شرایط کنونی با توجه به آرایش سیاسی موجود در صحنه میهن ما، موجب تقویت و افزایش قدرت مانور جناح های معینی در برابر جناح دیگر می گردد. بی دلیل نبود، بلافاصله پس از اعلام پذیرش تقاضای ایران، هاشمی رفسنجانی رئیس سازمان برنامه های خود را به عنوان یکی از نامزدهای انتخابات انتشار داد که نکته محوری آن تأکید بر پیروی کامل از برنامه های اقتصادی کنونی با شتاب بیشتر و بطور کلی سمت گیری در جهت اقتصاد بازار آزاد می باشد.

البته کم نیستند، احزاب، جریان ها و شخصیت هایی که با حرارت از فلسفه وجودی سازمان تجارت جهانی و ضرورت عضویت ایران به سرعت و به هر شکل ممکن دفاع می کنند. حتی برخی با تصوری نادرست، عضویت ایران در این سازمان را مکمل دموکراتیزه شدن حیات سیاسی - اقتصادی کشور معرفی می کنند. سازمان تجارت جهانی (دبلیو.تی.او) در سال ۱۹۹۵، جایگزین گات گردید. هدف این سازمان عبارت است از به اصطلاح رشد و توسعه اقتصادی کشورهای عضو از راه افزایش رقابت جهانی. در مقررات این سازمان حرکت آزاد کالا و سرمایه به عنوان هدف اصلی معرفی می گردد که در واقع مطابق آن مرزهای ملی و گمرکی به تدریج نقش خود را در مبادله کالا و سرمایه میان کشورهای عضو این سازمان از دست می دهند. به عنوان مثال ۵ وظیفه اصلی این سازمان طبق منشور آن عبارتند از:

۱- بررسی و جهت دهی به سیاست های بازرگانی در تجارت جهانی. ۲- همکاری و هماهنگی کامل و بی چون و چرا با صندوق بین المللی پول و بانک جهانی.

۳- آسان سازی قراردادهای تجاری در راستای مبادله آزاد کالا و سرمایه.

۴- کاهش و کنترل حمایت دولت ها از صنایع داخلی و تشویق خصوصی سازی.

۵- رسیدگی به اختلافات تجاری کشورهای عضو.

برای عضویت هر کشور نیز شرایط مشخصی در (دبلیو.تی.او) وجود دارد که مهمترین آنها چنین است، اجرای تعدیل اقتصادی با حذف سوبسید (یارانه)، قطع حمایت های دولتی از صنایع ملی، ایجاد مناطق آزاد تجاری، اصلاح ساختار اقتصادی کشورهای عضو بر پایه اقتصاد بازار تحت عنوان نظام بازار آزاد و خصوصی سازی در ابعاد گسترده!

در چارچوب مقررات سازمان تجارت جهانی، قدرتهای برتر سرمایه داری از مزایای گوناگونی برخلاف کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین برخوردار هستند. به عنوان نمونه، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا با پرداخت یارانه های (سوبسید) هنگفت چند میلیارد دلاری به بخش کشاورزی خودشان و با اجرای برنامه های بخشودگی مالیاتی در مورد شرکت ها و سازمان های صادر کننده کالاهای صنعتی بویژه فن آوری صنعتی و کشاورزی در عمل بر سر راه فروش و صدور کالاهای صنعتی و کشاورزی از سوی کشورهای آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین مانع ایجاد می کنند، این را هم باید افزود، تبادل کالا و سرمایه در میان اعضای

ادامه ایران و سازمان تجارت ...

بحث از ضرورت پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی آنهم بدون پیش تدارک لازم و ایجاد زمینه های مناسب که در راستای تامین منافع کشور باشد، از دو کشور چین و هند نام می آورند. از جمله مسعود نیلی در سرمقاله شرق به تاریخ ۷ خرداد ماه می نویسد: «هند رضایت‌مندان در جامعه جهانی عضو است و سطح تعرفه ای خود را مستمراً کاهش می دهد. امروز چین عمیقاً با دنیا آمیخته است و در حدود یکصد و چهل میلیارد دلار کالا و خدمات به دنیا می فروشد.» با چنین نگرش سطحی سعی می شود جمهوری اسلامی با این دو کشور مقایسه شده و همچون آنها به عضویت سازمان تجارت جهانی در آید.

نکته محوری اینست که، رژیم ولایت فقیه، ساختار استبدادی و واپس مانده آن که با دنیای امروز همخوانی ندارد، به هیچ رو قابل مقایسه با دو کشور و حاکمیت سیاسی چین و هند نیست. همین امر ماهیت حاکمیت و مضمون سمت گیری اقتصادی-اجتماعی آن، رژیم ولایت را در فاصله ای زیاد از چین و هند قرار می دهد. ایران اکنون در چنگال دیکتاتوری مبتنی بر ولایت فقیه و یک ساختار اقتصادی معیوب که در آن واسطه گری و دلالی رواج دارد، گرفتار است.

طبق برآورد کارشناسان از جمله در میزگرد اقتصاد ایران به کجا می رود که چندی پیش برگزار گردید، در آمد هر ایرانی از سال ۵۶ تاکنون، تنها یک در صد افزایش یافته است. ایران با کسب میلیاردها دلار حاصل از فروش و صادرات نفت و گاز و ثروت های دیگر، به اعتراف رییس سازمان بهزیستی در کنفرانس این سازمان که هفته گذشته در شهر تبریز برگزار گردید، هم اکنون ۱۴ میلیون ایرانی در زیر خط فقر بسر می برند. با توجه به شرایط حاکم بر کشور و سمت گیری اقتصادی-اجتماعی کنونی، پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی بر خلاف وعده های پوچ کارشناسان وابسته به رژیم ولایت فقیه، دردی از مردم و میهن ما دوا نکرده و گرهی را نخواهد گشود.

اتحادیه اروپا شامل مقررات سازمان تجارت جهانی نیست. گاز و نفت در شمار کالاهای مشمول مقررات سازمان تجارت جهانی نیست، درست به این علت که کشورهای تولید کننده و صادر کننده نفت و گاز در رابطه با بهای آن نتوانند در چارچوب سازمان مزبور در مقابل اروپا، آمریکا و ژاپن قدرت نمایی کنند.

علاوه بر این، تولید و صدور جنگ افزار و انواع اسلحه از چارچوب مقررات سازمان تجارت جهانی خارج است و چند دولت تولید کننده عمده در این زمینه با مرگ آفرینی سودهای افسانه ای کسب می کنند. خصوصی سازی و اجرای کامل آن در هماهنگی با صندوق بین المللی پول و بانک جهانی از اصول خدشه ناپذیر سازمان تجارت جهانی است. هدف از خصوصی سازی نه تنها ایجاد زمینه های مناسب برای نظمی است که سازمان مزبور خواستار آن است، بلکه این برنامه با هدف ایجاد پایگاه اجتماعی-اقتصادی کاملاً وابسته به امپریالیسم به مورد اجرا گذاشته می شود. خصوصی سازی سبب تشکیل و پیدایش طبقات ثروتمند و مرفهی می گردد که با انحصارات فراملی و کشورهای امپریالیستی پیوند داشته و متحد سیاسی آنان محسوب می گردند.

در حال حاضر با توجه به سمت گیری اقتصادی-اجتماعی رژیم ولایت فقیه، پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی پیامدهای مختلفی را به دنبال خود خواهد داشت، برخی کارشناسان با صراحت اعلام داشته اند، با توجه به بنیه ضعیف تولید در ایران و رواج اقتصاد دلالی، در شرایط کنونی، افزایش واردات و کاهش تولید صنایع ملی، یکی از اولین پیامدهای این عضویت خواهد بود، بی دلیل نبود. معاون وزیر اقتصاد در مصاحبه با ایلنا در پاسخ به پرسش درباره نرخ تعرفه صفر بین کشورها در بخش تولیدات صنعتی اظهار داشت: برای رقابت با کالاهای صنعتی سایر کشورها که دارای دانش فنی بالا، تکنولوژی برتر و تجربه بیشتری هستند، قیمت های کالاهای تولیدی کشور باید با قیمت نازل تری با سایر کشورها مبادله شود. در حال حاضر با توجه به شرایط اقلیمی، موقعیت منطقه ای و گذشته اقتصادی، بخش کشاورزی (!) می تواند بیشترین جایگاه را برای اقتصاد کشور داشته باشد.

این اعتراف به معنی چیست؟ همانطور که اشاره کردیم، عضویت در (دبلیو.تی.او) در اوضاع کنونی و با سمت گیری فعلی رشد واردات بویژه محصولات صنعتی و کاهش ورشکستگی صنایع ملی را بیش از گذشته به همراه خواهد آورد. بعلاوه این امر، به رشد نرخ بیکاری افزوده و شمار بسیاری را به صف بیکاران پرتاب خواهد کرد. کاهش درآمدهای مالیاتی دولت یکی دیگر از عواقب عضویت ایران خواهد بود، زیرا عضویت در سازمان تجارت جهانی مستلزم لغو مالیات بر واردات است. در حال حاضر سهم مالیات بر واردات در کل درآمد های مالیاتی دولت بسیار بالاست و کاهش شدید با حذف مالیات بر واردات، لاجرم در بودجه کل کشور بازتاب یافته و منجر به آن خواهد شد که بار مالیاتی طبقات مختلف مردم بویژه کارگران، زحمتکشان و قشرهای میانه حال افزایش جدی بیابد و از این رو سطح و قدرت خرید این طبقات تنزل باز هم بیشتری نماید.

در خصوص عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، یک نکته پراهمیت وجود دارد که باید به آن توجه کرد. بسیاری از مدافعان به اصطلاح اقتصاد آزاد در میهن ما، هنگام

ادامه بدرود رفیق فلوراکیس ...

جماهیر شوروی جایزه دوستی خلقها، از سوی شورای حکومتی جمهوری دموکراتیک آلمان جایزه کارل مارکس و از سوی جمهوری خلق بلغارستان جایزه دیمیتروف به او اهدا شدند. در سال ۱۹۸۴، در مراسم ویژه یی نشان صلح لنین از سوی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی به رفیق فلوراکیس اهدا شد.

پیام تسلیت حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان

رفیق پاپاریگای عزیز
کمیته مرکزی حزب توده ایران عمیقاً از دریافت خبر مرگ رفیق هاریلائوس فلوراکیس متأثر شده و بدینوسیله خاطره و دستاورد های او به عنوان یک چهره برجسته جنبش ترقی خواهی را ارج می نهد. نام رفیق فلوراکیس با مبارزه جنبش بین المللی طبقه کارگر برای آزادی ملی، صلح و سوسیالیسم در قرن بیستم درهم تنیده است. رفیق فلوراکیس در سراسر عمرش با شجاعت فراوان به مردم یونان خدمت کرد. دفاع او از حقوق و استانداردهای بهتر زندگی برای کارگران، و همچنین سهم قهرمانانه و برجسته او در مبارزه مردم یونان برضد امپریالیسم

انگلیس و آمریکا هیچگاه فراموش نخواهد شد. حزب کمونیست یونان رهبری مومن و توانا را از دست داده است. زندگی و عملکرد رفیق فلوراکیس امروزه در شرایط پیچیده سیاسی قرن ۲۱، سرمشق مفیدی برای جنبش کمونیست-کارگری در سراسر جهان است. خاطره و ارثیه سیاسی و تئوریک رهبران انترناسیونالیستی همچون رفیق هاریلائوس فلوراکیس همیشه در مبارزه حزب توده ایران برضد دیکتاتوری مذهبی و سلطه طلبی امپریالیستی کارآ و گرامی خواهد ماند. رهبری و اعضای حزب توده ایران بار دیگر همبستگی خود را با حزب کمونیست یونان در مبارزه مشترکمان برای صلح جهانی، دموکراسی واقعی و سوسیالیسم در یونان، ایران و در سراسر جهان اعلام می کند.

زنده باد خاطره رفیق هاریلائوس فلوراکیس
زنده باد همبستگی و همکاری جنبش کمونیست-کارگری
زنده باد سوسیالیسم
با بهترین آرزوهای رفیقانه

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۴ (۱۴ ماه مه ۲۰۰۵)

ادامه جبهه واحد دموکراسی ...

نیروهای آزادی خواه، ملی و ضد دیکتاتوری باشد تا بتواند با بسیج نیروهای اجتماعی نقش لازم و موثر را در تحولات آتی کشور ایفاء کند. وجه مشخصه اوضاع کنونی کشور، تحرک جدی و قابل توجه نیروهای سیاسی-اجتماعی است که هر یک خواست ها و اهداف معینی را طرح و تبلیغ می کنند. مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، تلاش در راه تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری، گردهمایی اخیر زنان در نزدیکی ساختمان نهاد ریاست جمهوری با شعار نظارت استصوابی را قبول نداریم، آزادی، برابری و عدالت جنسیتی، حذف زنان حذف نیمی از جمعیت کشور است و جز این ها از جمله این اقدامات موثر است.

فعالیت قابل توجه نیروهای مردمی و آزادی خواه نظیر طیف نیروهای ملی-مذهبی باید با دقت دنبال و حمایت شود. این اقدام های تأثیرات جدی خواهد داشت و بخش مهمی از توان و امکانات جنبش مردمی در راه نیل به آزادی و عدالت اجتماعی در آن نهفته است. اما اقدام ها پراکنده کافی نیست. جنبش دموکراتیک و آزادی خواهانه مردم ایران طی سال های گذشته فراز و فرودهای بسیاری را از سر گذارانید، و تجربیات ذی قیمتی را اندوخته است. حزب توده ایران در طول این سال ها همواره در مبارزه دشوار با ارتجاع حاکم تاکید کرده و می کند که بدون به میدان آوردن توده های وسیع مردم و تجهیز آنها به شعارهای واقع بینانه و درست، جنبش نخواهد توانست به آماج های خود دست پیدا کند. به علاوه ما همیشه خاطر نشان ساخته ایم که برای دستیابی به این مهم، یعنی سازماندهی وسیع نیروهای مردمی، احزاب و سازمان های آزادی خواه باید صرف نظر از اختلاف و تفاوت های بینشی، بر محور مبارزه با استبداد و خودکامگی که اکنون در جامه ولایت فقیه خودنمایی می کند، در چارچوب یک جبهه گسترده متحد شوند. حزب ما در دوره های مختلف به طور پیگیرانه و خستگی ناپذیر از اصل اتحاد عمل احزاب و سازمان ها و شخصیت های ملی و مترقی حمایت کرده است. در حال حاضر با توجه به شرایط موجود و تحولاتی که در جریان است، امر خطیر تشکیل جبهه ای واحد با مضمون مبارزه با استبداد با هر عنوانی که باشد، در اولویت قرار می گیرد. بدیهی است که تشکیل چنین جبهه ای به تنظیم برنامه مشترک حداقل و در عین حال مورد قبول نیروهای شرکت کننده در آن نیازمند است. تشکیل جبهه واحد دموکراسی و حقوق بشر می تواند اثر قاطعی بر پیروزی اصلاح طلبان در انتخابات پیش رو بگذارد و در عین حال زمینه ساز برنامه ریزی برای تحولات و مبارزه دشوار آینده است. ما بار دیگر ضمن مثبت دانستن این گام نظرات و پیشنهادات خود را در این زمینه به زودی منتشر خواهیم کرد.

از جمله مهمترین وظایف این جبهه در شرایط کنونی مبارزه وسیع با ترفندهای ارتجاع برای شکست جبهه اصلاح طلبان در انتخابات پیش روست. تلاش در ایجاد شکاف در صفوف نیروهای اصلاح طلب و خصوصاً نیروهای اجتماعی از جمله مسایلی است که باید با روشنگری و توضیح دقیق مسایل با آنها برخورد کرد. واقعیت این است که هشت سال قول های داده شده

و عمل نشده دلسردی های زیادی را ایجاد کرده است که نمی توان آنها را در کوتاه مدت و تنها با شعار جبران کرد. مردم منتظر گام های عملی و سیاست های مشخص و رادیکال هستند. ایجاد جبهه واحد، طرح شعار برای آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی و همچنین طرح این نظر کلیدی که ساختار قدرت سیاسی در ایران نیازمند تحولات اساسی است و همچنین تعهد به تشکیل یک دولت ائتلاف ملی از جمله مواضعی است که می تواند به روشن شدن مسایل کمک کند. در روزهای اخیر در شماری از اعلامیه های صادر شده از سوی جنبش های دانشجویی به ضرورت دادن «تضمین» از سوی معین و هواداران او اشاره شده است. در اینجا روشن نیست که جنبش دانشجویی چگونه تضمین هایی را مورد نظر دارد. در کشورهای جهان که انتخابات آزاد و یا نیمه آزاد در آنها برگزار می شود، معمولاً احزاب برنامه های سیاسی خود را مطرح کرده و مردم بر آن اساس به این یا آن حزب رای می دهند. نمونه ای را در جهان نمی توان سراغ کرد که از احزاب سیاسی «تضمین اجرایی» خواسته شود اصولاً چنین امری ممکن نیست و لذا طرح آن نتیجه مثبتی ندارد. حرکت به سمت برقراری یک جبهه واحد دموکراسی، ایجاد ساختارهای دموکراتیک در چارچوب این جبهه برای تصمیم گیری و سیاست گذاری مشترک از جمله مهمترین گام هایی است که باید تحقق آنها را طلب کرد. حزب ما در سال های اخیر از پیگیرترین منتقدین مداخلات و تسلیم طلبی اصلاح طلبان حکومتی در مقابل مرتجعان حاکم و رژیم ولایت فقیه بوده است. ما همچنان اعتقاد داریم که تنها با به میدان آمدن توده ها و نیروهای اجتماعی است که می توان مهر و نشان سیاست های درست را بر جنبش و نیروهای شرکت کننده در آن زد و جنبش را رادیکالیزه کرد. کناره جویی از این روند بی شک به نفع نیروهایی است که در تضاد کامل با منافع و مصالح اکثریت توده های محترم جامعه ما قرار دارند. امروز در مقابل مردم میهن ما و همچنین نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور دو انتخاب روشن قرار دارد. عدم شرکت در انتخابات و لذا کمک کردن به نامزدهای مرتجعان حاکم برای تصاحب کرسی ریاست جمهوری. و یا شرکت فعال در انتخابات و تلاش در راه پیروزی نامزد جبهه دموکراسی و حقوق بشر. به گمان ما سیاست تحریم تنها زمانی می تواند درست باشد که نیروهای سیاسی بین نامزد جبهه دموکراسی و حقوق بشر و نامزد های رژیم ولایت فقیه هیچ تفاوتی را قایل نباشند و همه این کشمکش ها و تنش ها را تنها «بازی رهبران» رژیم ارزیابی کنند. همچنان که ما در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ شاهد آن بودیم سران رژیم ضمن «تکلیف کردن مردم» به شرکت در انتخابات در عین حال به شدت از حضور چشم گیر توده ها در انتخابات نگرانند. آنها خوب می دانند که تنها با حضور کم رنگ توده ها در صحنه انتخابات است که خواهند توانست نامزدهای خود را با تقلبات وسیع انتخاباتی، خصوصاً در شهرهای کوچک، از صندوق های رای بیرون آورند. شورای نگهبان نیز قطعاً آماده است تا در صورت نزدیکی آرای نامزدها با ابطال صندوق های رای (همچنان که در جریان انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی در تهران کرد تا فرسنگانی از نفر ۳۱ به ۳۰ برسد و به مجلس راه یابد) راه را برای روی کار آمدن نامزدهای رژیم ولایت فقیه باز نماید.

باید تمام توان و امکانات را برای درهم شکستن صف متحد ارتجاع و شکست سنگین آنها در انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری به کار گرفت. بسیج نیروها حول جبهه واحد همه نیروهای مترقی و آزادی خواه گام سرنوشت سازی در مبارزه برای طرد استبداد از میهن ماست.



اعتراض جهانی بر ضد اعمال سربازان آمریکایی و امضای پیمان استراتژیک با افغانستان

در بحبوحه اوج درگیری‌ها بین نیروهای آمریکایی و نیروهای مذهبی افغانستان در اعتراض به بی‌احترامی به قرآن در زندان گوانتانامو و بد رفتاری با زندانیان افغان در بازداشتگاه مستقر در فرودگاه بگرام کابل، حمید کرزای، رئیس جمهوری افغانستان در روز ۲۳ ماه مه در سفر به آمریکا، با جورج بوش به گفتگو نشست تا «تصمیمات لازم» در مورد کنترل اوضاع افغانستان اتخاذ شود.

پس از این ملاقات، اعلام شد که ایالات متحده و افغانستان به طور رسمی پیمان نامه «همکاری استراتژیک» را با یکدیگر امضا کرده اند و طبق این توافق نامه، قرار بر این است تا ملاقات‌هایی در بالاترین سطح و به طور مرتب در مورد مسایل مربوط به «آینده سیاسی»، امنیت و اقتصاد افغانستان، صورت گیرد.

کرزای پیش از سفر خود به آمریکا، در مورد گزارش‌های مربوط به سوء رفتار سربازان آمریکایی با زندانیان افغانی، در پایگاه بگرام، ابراز شگفتی کرده بود (بی بی سی ۲۲ مه ۲۰۰۵).

اما او همزمان اعلام کرد که از دولت آمریکا خواهد خواست تا تمامی زندانیان افغانی را به دولت افغانستان تحویل دهد و برخی از اقدامات نیروهای خود در افغانستان را متوقف سازد. به گفته کرزای افغانستان خواهان این است که «تمامی زندانیان افغانی، چه در افغانستان باشند، چه در خلیج گوانتانامو و یا هر جای دیگر جهان، باید در اختیار دولت افغانستان قرار گیرند.» (همانجا)

اعلام چنین موضعی از سوی کرزای در شرایطی که موج اعتراضی وسیعی در کشورهای منطقه بر ضد این اعمال آغاز شده بود، این هدف را دنبال می‌کرد که ثابت کند دولت او دولتی «مستقل» از سیاست‌های آمریکا است. او در گفت و گو با تلویزیون افغانستان، تاکید کرد که «عملیات آمریکا در آینده باید با دولت او هم آهنگ شود و او خواهان پایان دادن به جستجوی بدون مجوز خانه‌های مردم افغانستان توسط نیروهای آمریکایی است.»

اما در پی سفر کرزای و ملاقات او با بوش نه تنها هیچ یک از خواست‌های بالا تحقق نیافت بلکه دولت افغانستان عملاً قبول کرد که تنها در نقش مشاوران سربازان آمریکایی عمل کند. در «پیمان همکاری استراتژیک» امضاء شده بین دو کشور حق دخالت آمریکا در امور افغانستان کاملاً تصریح شده است. در این «توافق نامه» اعلام می‌شود که نیروهای آمریکایی از «آزادی عمل» برخوردار خواهند بود. نکته جالب اینکه در مورد خواست افزایش اختیارات مقامات افغانی در رابطه با فعالیت نیروهای آمریکایی، بوش با دادن پاسخ منفی، ظاهراً قول داده است تا نیروهای آمریکایی در موارد لازم با دولت افغانستان «مشورت و همکاری» خواهند کرد.

بوش در واکنش به اصرار خبرنگاران در این مورد گفت: «این واضح است که نیروهای ما به دستور فرماندهان آمریکایی عمل خواهند کرد.» (بی بی سی ۲۳ مه ۲۰۰۵)

در بیانیه مشترک، همچنین آمده است که «آمریکا و نیروهای ائتلافی» از آزادی عمل لازم برای انجام عملیات نظامی مناسب

برخوردار خواهند بود، که با تکیه بر رایزنی‌ها (با دولت افغانستان) و از شیوه‌های از پیش توافق شده انجام خواهد شد.

در حال حاضر بیش از ۲۰ هزار نیروی آمریکایی و ۸۲۰۰ نیروی نظامی کشورهای عضو ناتو در افغانستان تحت پوشش نیروهای «حافظ صلح» اما در واقع به مثابه نیروهای اشغالگر تمام عیار مستقر هستند.

به گمان ناظران سیاسی یکی از دلایل این که آمریکا و افغانستان در چنین شرایطی پیمان «همکاری استراتژیک» را امضا کرده اند، پیش از هر چیز در رابطه با موقعیت متزلزل دولت کرزای و برای نشان دادن تصمیم ایالات متحده برای ادامه حضور در این کشور، نهفته است. افزایش اعتراض‌های مردم بر ضد حضور نیروهای نظامی آمریکایی در این کشور در ماه‌های اخیر و گسترش خشم و نفرت مردم منطقه نسبت به رفتار توهین و تحقیر آمیز اشغالگران در رابطه با زندانیان افغانی دشواری‌های زیادی را در منطقه برای پیشبرد سیاست‌های آمریکا ایجاد کرده است.

دلیل دوم، دادن اختیارات بیشتر به نیروهای آمریکایی در مبارزه با نیروهای اسلامی تندرو تحت نام «مبارزه با تروریسم» است. این حقیقتی است که در طول دو سال گذشته به دلیل سیاست‌های ضد مردمی دولت آمریکا در این کشور و ادامه اشغال آن، فرصت مجدد رشد نیروهای افراطی و از جمله «طالبان» فراهم شده است. شرایطی که نابسامانی، عدم ثبات و فشار بیشتر را برای مردم به همراه داشته است، آنچه که کمترین اهمیتی برای حمید کرزای و اربابش، دولت آمریکا، ندارد.

نکته دیگر در زمینه امضای قرارداد استراتژیک آمریکا با افغانستان اهمیت این کشور از لحاظ منافع منطقه‌ای امپریالیسم و تلاش آمریکا در کنترل کامل منطقه و همچنین بهره‌وری از افغانستان به عنوان یک پایگاه استراتژیک در راه پیش برد اهداف جهان گسترانه خود است. در واقع پیمان امضای شده در واشنگتن را به جای پیمان «همکاری استراتژیک» باید همکاری در جهت و در خدمت تأمین «استراتژی آمریکا» در منطقه خواند. استراتژی بی‌هدف آن بی‌شک خطری برای همه کشورها و خلق‌های منطقه است و در عین حال تأمین‌گر حضور طولانی مدت نیروهای نظامی آمریکا در مرزهای کشور ما است.

عمق دموکراسی سرمایه داری!

اعتراض بسیاری از کارگران اتحادیه ها روبرو شد، دیگر وجود ندارد. ولی بخشنامه خدمات اتحادیه اروپا که خواستار آزاد سازی خدمات است و شرکت های خدماتی را از قبول قوانین محلی مستثنا می کند، هم چنان پابرجا است.

در هلند اعتراض ها در باره یورو به گرایشات ضد قانون اساسی اروپا دامن زده است. رییس بانک ملی هلند فاش کرد که در زمان اشاعه واحد پولی یورو در اتحادیه اروپا، بین ۵ تا ۱۰ درصد از ارزش گیلدر، واحد پولی هلند کاسته شد. گیریت زالم وزیر دارایی هلند هفته گذشته اعتراف کرد که این مساله علیرغم تکذیب های گذشته، واقعیت دارد. کاهش ارزش گیلدر در زمان بکار افتادن یورو در سال ۲۰۰۱ منجر به افزایش تورم شدید شد و باعث گردید که هلندیها نسبت به یورو نظر مساعدی نداشته باشند. در تلاش برای گمراه کردن رأی دهندگان از این واقعیت های ناگوار، هواداران اروپای فدرال، به شیوه ها و بحث های بی ربط و مبتذل متوسل شده اند. در حقیقت آنها اخطار داده اند که مخالفت با قانون اساسی، باعث پدیدار شدن اردوگاه های مرگ نازی در نقاط مختلف اروپا خواهد شد. نمایندگان اروپا پارلمان اروپا حتا اقدام به تهیه یک آگهی تلویزیونی کرده اند که در آن تصویرهایی از نسل کشی یهودیان در کوره های مرگ نازیها را نشان می دهد و تأمین صلح، امنیت و سعادت را در گرو قانون اساسی واحد اروپا می نمایاند.

در اردوگاه مرگ ترزین در لهستان، مارگوت والسروم نماینده سوئدی کمیسیون اتحادیه اروپا نیز اعلام کرد: «کسانی هستند که می خواهند آرمان فرامالی را از بین ببرند. آنها می خواهند اتحادیه اروپا را به دوران گذشته بازگردند». من به آنها می گویم باید به دیدار اردوگاه مرگ ترزین بروند تا ببینند که راه گذشته به کجا ختم می شود. این مقام عالیرتبه اتحادیه اروپا باید بخاطر داشته باشد که این تلاش برای بوجود آمدن یک ابر قدرت در اروپا بود که تحت یوق نازیسم تمام قاره اروپا را در راه بربریت بدون قانون سوق داد. ولی حقیقت اینست که طرفداران اتحادیه اروپا خواهان این نیستند که واقعیت یا دموکراسی، مانعی در راه استقرار یک امپراتوری مناسب برای بنگاه های سرمایه جهانی گردد.

متعاقب رای منفی در رفراندوم های فرانسه و هلند، در هفته گذشته، نیروهای مترقی براین باورند که هواداران پروپاقرص اروپا، همه ی تلاش خود را برای حفظ قانون اساسی اتحادیه اروپا صرفنظر از خواست عمومی مردم، بکار خواهند برد. آنان معتقدند که نتیجه نظرپرسی در فرانسه و هلند پیرامون قانون اساسی برای نخبگان اروپای فدرال و هواداران آنها در مجموع بی اهمیت است. تجربه نشان داده است که صاحب منصبان در بروکسل، مقر اتحادیه اروپا، با بی اعتنائی به خواست عمومی، برنامه تمرکزپایی قدرت و دور زدن ساختارهای دموکراتیک ملی به نفع آرمان اروپای بزرگ را دنبال خواهند کرد. ما شاهد این رویکرد در مورد رد موافقتنامه نیس در فرانسه از سوی مردم ایرلند و مخالفت مردم دانمارک با موافقتنامه مایستریش بودیم که با خشم شدید هواداران اروپا روبرو گردید. در هر دو مورد، به رای دهندگان همچون شاگردان سرکش مدرسه، گفته شد که دوباره رای دهند تا نتیجه صحیح حاصل گردد. بسیاری از هواداران اروپا، اعلام کرده اند که چنانچه نتیجه نظر پرسی فرانسه در مسیر نادرستی پیش رود باید دوباره رأی گیری شود. ولی چنانچه نتیجه مثبت باشد آنها بدون شک بطور رسمی اعلام خواهند کرد که مردم نظر خود را داده اند. اندرو داف، عضو حزب لیبرال دموکرات بریتانیا و نماینده پارلمان، این حرکت غیر دموکراتیک را اینطور بروشنی بیان می کند اگر فرانسه حالا نه بگوید در آینده مجبور به آری گفتن خواهد شد. لرد بریتان عضو پیشین پارلمان از حزب محافظه کار، از اتحادیه اروپا خواسته است که حتا در صورت منفی بودن نتیجه نظرپرسی در فرانسه، بخش هایی از قانون اساسی را پیاده کند. این موضوع به دلیل اهمیت قانون اساسی، سندی که جمعیت میلیونی اروپا را به شهروندان یک دولت اتحادیه اروپا تحت مدیریت سیاست گذار انتصابی تقلیل می دهد، قابل درک است. این شهروندان جدید باید از همه قوانین آن، از جمله آزاد سازی همه بخشهای امور اقتصادی بدون تمایز بین بخشهای خصوصی و دولتی، پیروی کنند. قانون اساسی به اتحادیه اروپا یک ماهیت قانونی جدید می دهد که بر اساس آن به بروکسل از طرف همه ی اروپا امکان می دهد که به مثابه یک دولت عمل کرده، موافقتنامه های بین المللی را امضاء، قوانین جدید وضع نماید و اعلام جنگ نماید. این هدف بوسیله اصطلاح سه رکن اتحادیه اروپا انجام می شود. رکن نخست، مساله اقتصادی است که قدرت را متمرکز کرده و می تواند واحد ارزی سراسر اتحادیه را یورو اعلام نماید. رکن دوم مساله نظامی است که یک سیاست خارجی واحد وضع می کند و دولت های عضو باید وفادارانه از آن حمایت کنند. رکن سوم، مساله حقوقی است که یک نظام حقوقی واحد را بر اساس قانون قاره اروپا دربر می گیرد. وزنه گزینش برای گذار بدون خدشه به این موجودیت نوین، بیشتر بسوی سه قدرت عمده اروپا یعنی بریتانیا، فرانسه و آلمان سنگینی می کند.

حتا هانس مارتین بوری، نماینده آلمان در پارلمان اروپا، در فوریه در نشریه «دی ولت» نوشت: «قانون اساسی اتحادیه اروپا سند تولد ایالات متحده اروپا است. در واقع هواداران انگلیسی اروپا، نظرات اعلام شده یاران اروپایی خود را تأیید نمی کنند. این مساله، دو هفته پیش در کنفرانس اتحادیه های کارگری در لندن، مطرح شد. در این کنفرانس، بتر کلدریک نماینده کمیسیون اتحادیه کارگری TUC اظهار داشت که خصلت نولیبرالی تغییر کمی خواهد کرد پیش از این که بطور غیر منتظره ای اعلام کند که نتیجه منفی نظرپرسی در فرانسه می تواند فاجعه آمیز باشد. چنین پشتیبانی محکمی از سوی TUC در هنگامی صورت می گیرد که هیچ اتحادیه کارگری عمده ای برای تصویب قانون اساسی اروپا دست به فعالیتی نزده اند. اتحادیه بخش خصوصی نیز در کنفرانس سالانه خود دو هفته پیش، قاطعانه به عدم حمایت از این قانون اساسی رأی داد. بی پایه بودن گفته های طرفداران اروپا در زمینه کنترل محلی بر مصوبات بروکسل روشن است. در فرانسه ژاک شیراک رییس جمهوری این کشور، در هفته های اخیر ادعا کرد که به اصطلاح «بخشنامه خدمات» که با

کمک های مالی رسیده

۵۰ یورو	رفیق برنا از هلند
۱۰۰ پوند	هواداران حزب توده ایران از نیکوزیا
	آناهید از لندن به یاد حماسه داد
۵۰ پوند	و رفیق ف.م. جوانشیر
۱۰۰۰ کرون	حسینی از سوئد

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 714
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

7 June 2005

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک